

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ ٥٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ
﴿١﴾

هر آنگاه واقع شود آشکار قیامت رسد، محشرِ کردگار
لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ
﴿٢﴾

که اندر وقوعش و هم مهلتش نباشد خلافی در آن صحتش
خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ
﴿٣﴾

گروهی بگردند خوار و ذلیل گروهی بگردند رفیع و جلیل
إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا
﴿٤﴾

بلرزد در آن روز، سنگین و سخت زمین واژگون و بگردیده تخت
وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

﴿٥﴾

شوند منهدم کوه‌ها و جبال بگردیده خاک جملگی بالمآل
فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا

﴿٦﴾

پراکنده گشته، بگردیده گرد غباری شده در هوا گشته طرد
وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

﴿٧﴾

سه دسته بگردید شما مردمان به روزی که آید قیامت عیان
فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

﴿٨﴾

گروهی که باشند در دستِ راست که باشند مبارک و اهلِ شگون
وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

﴿٩﴾

و جمعی که باشند شوم و پلید چه فرجامِ سختی ببینند شدید
وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

﴿١٠﴾

و سَوِّمَ گروه نیز آن سابقون که بودند زِ اوّل هم از مؤمنون
أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

﴿۱۱﴾

و هستند ایشان مُقَرَّب به حق حقیقت بجستند از ماسبق
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

﴿۱۲﴾

بهشت است از بهرشان جایگاه نعم‌های بی‌حد زِ ذاتِ اله
ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ

﴿۱۳﴾

زِ مخلوقِ ماقبل و قومِ نخست رسند جمله بر جایگاه دُرست
وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

﴿۱۴﴾

و جمعِ قلیلی زِ آخرزمان که باشند ایشان زِ مُستأخران
عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ

﴿۱۵﴾

به تخت‌های عالی و گوهرنشان به عزّت نشینند آن مؤمنان
مُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

﴿۱۶﴾

تکیه دهند جملگی روبه‌روی به شادی نشینند با آبروی
يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

﴿۱۷﴾

به اطرافشان خادمانی پسر همیشه جوانند و نیکو اثر
بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ

﴿۱۸﴾

به کاسه و جام‌های پر از شراب تعارف نمایند از شرب ناب
لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ

﴿۱۹﴾

نیابند ز نوشیدنش درد سر زوال و خماری نباشد اثر
وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ

﴿۲۰﴾

همه گونه میوه به حدّ وفور گزینند ز آنها به اندر حضور
وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

﴿۲۱﴾

ز گوشت پرنده بود همچنین تناول نمایند آن مؤمنین
وَحُورٌ عِينٌ

﴿۲۲﴾

زنانی سیه چشم از حوریان به خدمتگزاری بیایند میان
كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ

﴿۲۳﴾

به حُسنِ جمالند بس بی‌ردیف چو پوشیده دُرّی، ظریف و لطیف
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۲۴﴾

جزایی است از بهر فردوسیان که بینند زِ اعمال و کردارشان
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا

﴿۲۵﴾

نیاید در آن لغو و باطل به گوش نینداخته بارِ گناهی به دوش
إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا

﴿۲۶﴾

تحیّت فقط هست و عزّ و سلام به حرمت برانند با هم کلام
وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

﴿۲۷﴾

گروهی که باشند در دستِ راست سعادت بر آنهاست بی‌کم و کاست
فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

﴿۲۸﴾

به زیر درختانِ بی‌تیغ و خار از آن میوه‌ی سدر آید به بار
وَطَلَحٍ مَّنْضُودٍ

﴿۲۹﴾

درختانی دیگر همه سایه‌دار همه پُر ز برگ و بسی استوار
وَضِلٍّ مَّمْدُودٍ

﴿۳۰﴾

کشیده بود سایه‌های درخت برای همه مردم نیک‌بخت
وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ

﴿۳۱﴾

بجوشیده از هر طرف چشمه‌ها تمیز و زلال است آن آب‌ها
وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ

﴿۳۲﴾

در آنجاست میوه به حدّ زیاد که ایزد ز نعمت فراوان بداد
لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

﴿۳۳﴾

نگردیده قطع و نگشته تمام نباشند ممنوع ز صرفِ طعام
وَفَرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ

﴿۳۴﴾

بگردیده مفروش ز فرشِ گران قدم می‌گذارند به عزّت بر آن
إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً

﴿۳۵﴾

همه آفریدیم ما از کرم به حدّ کمال و جمال از نعم
فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

﴿۳۶﴾

قرار داده‌ایم این‌چنین آن زنان بگردیده‌اند باکره هر زمان
عُرُبًا أَتْرَابًا

﴿۳۷﴾

و همگن بوند شوهران هم، جوان بدین سان بود بهر فردوسیان
لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ

﴿۳۸﴾

چنین نعمتِ خاصِ اهلِ یمین نصیبی است بر اُمّتِ مؤمنین
ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ

﴿۳۹﴾

بوند جمعی از مردمِ ماسبق که پیموده‌اند جملگی راهِ حق
و ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

﴿۴۰﴾

و جمعی زِ مخلوقِ آخرزمان ره راست پیموده‌اند در جهان
وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ

﴿۴۱﴾

گروهی دگر نیز زِ اهلِ شمال شقاوت بورزیده‌اند بالمآل
فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

﴿۴۲﴾

که فرجامشان تیره گردد و شوم به آب حمیم و به بادِ سموم
وَضَلَّ مَنْ يَحْمُومٍ

﴿۴۳﴾

و یک سایه‌ای نیز زِ دودِ عظیم که باشد به دوزخ عذابی آلیم
لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

﴿۴۴﴾

نه هرگز خنک گردد آن بادِ تند نیفتد زِ سرعت نگردیده کند
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

﴿۴۵﴾

بدین روی فرجامشان شد چنین که داشتند تفرعن، اندر زمین
وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ

﴿۴۶﴾

لجاجة نمودند نزد اله ز اعمالِ بد، هم کبیره گناه
وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

﴿٤٧﴾

به انکار بگفتند ایشان چنین به وقتی که مُردیم همه اجمعین
شود خاک این استخوان‌هایمان دگر باره مبعوث شویم آن جهان؟
أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

﴿٤٨﴾

دوباره شوند زنده اجدادمان؟ به حالی که رفتند همه از میان
قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

﴿٤٩﴾

بگو، که شوید زنده، از اوّلین همه مردگان تا به آن آخرین
لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

﴿٥٠﴾

شوید جمع اندر حضور اله به روزِ معین در آن وعده‌گاه
ثُمَّ إِنَّكُمْ أَیُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

﴿٥١﴾

پس آنگاه فرجامتان گم‌رهان! که تکذیب بکردید دیگر جهان
لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ

﴿۵۲﴾

ز زَقُوم باید خورید مستمر درختی که تلخ است او را ثمر
فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

﴿۵۳﴾

بگردیده پُر زان شکم‌هایتان چنین عاقبت هست فرجامتان
فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

﴿۵۴﴾

بنوشید آنکه ز آب حمیم که از داغی باشد عذابی آلیم
فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ

﴿۵۵﴾

حریصانه نوشید از آن شراب مثال شترهای تشنه به آب
هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

﴿۵۶﴾

عذابی است روز قیامت چنین که باید خورند کافران اجمعین
نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

﴿۵۷﴾

همی آفریدیمتان در کمال نیارید تصدیقی بر ذوالجلال؟
أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

ندیدید آیا شما قطره‌ای؟ که قطره بود حاملِ نطفه‌ای
 أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

همین نطفه را آفریدید شما؟ و یا آفریده بگشته ز ما؟
 نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

مقرر نمودیم مرگ بر شما به قدرت نباشد کسی مثل ما
 عَلَى أَنْ تَبْدِلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

توانیم مبدل کنیم، جایگزین گروهی دگر جایتان در زمین
 شما را درآوریم به وجهی دگر به حالی که از آن ندارید خبر
 وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

شدید آگه از خلقتی این‌چنین چگونه بگشتید پدید اجمعین
 نیابید تذکر چرا پس به غیب؟ به ایمان قاطع، نه با شک و ریب
 أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

ندیدید بذری که خود کاشتید؟ چه حاصل بداد و چه برداشتید؟
أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

﴿۶۴﴾

برویانده آن بذر و دانه شما؟ و یا آنکه رویانده گشته ز ما؟
لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

﴿۶۵﴾

اراده کنیم گر ز حکمت چنین بسازیم تباه کشتان در زمین
ز حسرت بیارید آه و فغان به یاهو بیفتید اندر بیان
إِنَّا لَمُغْرَمُونَ

﴿۶۶﴾

به حالی که از کشت نمانده اثر بگوئید که افتاده‌ایم بر ضرر
بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

﴿۶۷﴾

و بلکه بگشتیم محروم همه به احوال سختی و در واهمه
أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

﴿۶۸﴾

نمودید دقت شما نیز به آب؟ که دائم بنوشید از آن شراب
أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ

ز ابرها بیاورده آب را شما؟ و یا آنکه نازل نمودیم ما؟
لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

بخواهیم اگر، تلخ نماییم آب نیارید شکری به حُسنِ مآب؟
أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

نمودید هرگز بر آتش نظر؟ فروزان چو گردد چه دارد اثر؟
أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ

پرورده هیزم ز اشجار شما؟ و یا آنکه پرورده گشته ز ما؟
نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَامْتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ

نمودیم ما خلقِ آتش چنین بود مایه‌ی پند و عبرت یقین
متاعیست از بهرِ خلقِ جهان به کوه و بیابان و در هر مکان
فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

نما، پس تو تسبیح پروردگار که نامش عظیم است آن کردگار
﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾

﴿۷۵﴾

قَسَمَ‌های دیگر به وقتِ نزول به وقتی که اختر نماید افول
وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

﴿۷۶﴾

بدانید این‌سان قَسَم در جهان عظیم است و اعلا و هم جاودان
إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

﴿۷۷﴾

یقیناً که قرآن بود بس کریم گرامی و پُرسود و اعلا نعیم
فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

﴿۷۸﴾

که مأخوذ گشته ز لوحِ خفی و اسرار و معنی در آن منجلی
لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

﴿۷۹﴾

به جز دستِ پاکان به درگاه حق نگردد به اسرار آن منطبق
تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۸۰﴾

بگردیده نازل زِ ربِّ جهان کلامِ خداوند بر بندگان
أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

﴿۸۱﴾

حدیثی بدین سان سلیس و روان نمایند انکار زِ جهل کافران؟!
وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ

﴿۸۲﴾

قرار داده‌اید رزق و روزی چنین؟ که تکذیبِ آیاتِ نمایند زِ کین؟
فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ

﴿۸۳﴾

چگونه بود حالشان وقتِ فوت که جان بر گلو آمده بهرِ موت
وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

﴿۸۴﴾

و باشید ناظر شما آن زمان که قالب تهی می‌کند او زِ جان
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

﴿۸۵﴾

به تحقیق، نزدیک‌تریم ما بر او نباشید آگه شما هیچ‌رو
فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

﴿۸۶﴾

اگر فکر کنید کار دستِ شماست جهان، آفریننده هرگز نخواست
تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿۸۷﴾

دهید باز بر آن مرده روحی و جان اگر که شما بید از صادقان
فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

﴿۸۸﴾

هر آن کس بمیرد رود از میان مقرب اگر هست به ربّ جهان
فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ

﴿۸۹﴾

به آسایش آید به جنت درون شود غرقِ انعام خاص، گونه‌گون
وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

﴿۹۰﴾

ز اصحابِ راست باشد ایشان اگر شود موردِ لطفِ آن دادگر
فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

﴿۹۱﴾

بشارت دهدش که اصحابِ راست عنایت بر آنها ز سوی خداست
وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

﴿۹۲﴾

ولیکن اگر هست از گمراهان بیموده راه خطا در جهان

فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ

﴿۹۳﴾

نصیبش حمیم است اندر جحیم عقوبت چنین است بهر لئیم

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ

﴿۹۴﴾

به دوزخ درافتد ز فرجامی بد نصیبش شود نار و قهر احد

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

﴿۹۵﴾

چنین وعده باشد درست بالیقین تحقق بیابد ز حقّ المبین

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

﴿۹۶﴾

نما پس تو تسبیح پروردگار که نامش عظیم است آن کردگار